



سلسله درسهائی از آیت الله العظمی منتظری

(۴)

بحثی پیرامون تجسس و بدست آوردن اطلاعات

این مسأله از چند جهت مورد بحث و بررسی قرار می‌گردد:

* ۱ - در وجوب حفظ حیثیت و اسرار مسلمین

این جهت از بحث راء، چون مضمون آن مطابق با اصل است، مقدم داشتیم، زیرا چنانکه در بحثهای قبلی گذشت، اصل اولی این است که کسی نسبت به دیگری ولایت نداشته باشد.

و از طرف دیگر هم، زیر نظر گرفتن مردم و جاسوسی کردن از آنان و فاش ساختن معایب و اسرارشان، نوعی مداخله در امور مردم می‌باشد، پس مقتضای همان اصل اولی این خواهد بود که این چنین اموری جایز نباشد.

بهر حال: از وظائف خطیر و بسیار مهمی که اسلام به آن خیلی اهمیت داده، حفظ حرمت و آبروی مسلمانان و اعراض آنان و اجتناب از تفتیش، از عقاید و اسرار مردم می‌باشد.

پس تجسس از کارهای خصوصی مردم و امور پنهانی آنان جایز نبوده و به کسی اجازه اشاعه اسرار و لغزشها و خطاهای مردم داده نشده است.

و بر این دو اصل مهم و اساسی، زندگی مردم و امنیت آنان در فعالیتهایشان، پایه گذاری



شده است:

□ ۱ - خداوند متعال می فرماید:

يا ايها الذين آمنوا اجتنبوا كثيراً من الظن ان بعض الظن اثم، ولا تجسسوا ولا يغتب بعضكم بعضاً، ائحب احدكم ان ياكل لحم اخيه ميتاً فكرهتموه.

ای آنانکه ایمان آورده اید از بسیاری از ظنون و گمانها دوری جوئید که پاره ای از گمانها خطاست و به جاسوسی نپردازید و غیبت همدیگر را نکنید، آیا کنسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟ البته که برای شما ناخوشایند بوده و از آن نفرت دارید. و در مجمع البیان^۲ چنین آمده:

نظر ابن عباس و قتاده و مجاهد درباره این آیه چنین است که: «یعنی در لغزشهای مؤمنین کنجگاو نباشید».

و ابو عبیده گفته که: «تجسس و تحسس به یک معنی هستند».

و در قول ضعیفی هم از ابن عباس نقل شده که او «لا تحسسوا» خوانده است. اخفش هم گفته: معنی این دو کلمه، بسیار نزدیک و شبیه به هم است (و هر دو کلمه به معنی کاوشگری و جستجو می باشد) الا اینکه تجسس کاوشگری و پی گیری درباره امور مخفی و پنهانی است که جاسوسی هم از همین باب است، ولی تحسس کاوشگری در باره امور معلومه و آشکار است.

عرض می شود:

الف - خداوند در این آیه از سوءظن و بد گمانی درباره مؤمنین نهی فرموده.

ب - از تفتیش و جاسوسی در امور مخفی مردم و اسرار آنان بر حذر داشته.

ج - در صورت اطلاع از رازهای مؤمنین از آشکار کردن و در معرض عمومی گذاشتن آنها بازداشته است و شاید از آیه شریفه بتوان استفاده کرد که زندگی مردم به شخصیت و حیثیت اجتماعی آنان بستگی دارد و هتک و از بین بردن آن، مساوی است با گرفتن زندگی از آنان.

در مکاسب^۳ مرحوم شیخ مرتضی انصاری در توضیح آیه شریفه چنین آمده است:

خداوند متعال مؤمن را برادر مؤمن بشمار آورده و عرض و آبروی آنان را به مشابه گوشت آنان قرار داده و عنوان کردن آن را خوردن گوشت برادر اعلام کرده و بی اطلاعی مؤمنی را که حیثیت او مورد تاخت و تاز قرار گرفته، مانند مرده بودن او فرض کرده است.

□ ۲ - ان الذين يعيبون ان تشيع الفاحشة في الذين آمنوا لهم عذاب اليم.^۴

۳ - مکاسب ص ۴۰.

۴ - سوره نور آیه ۱۹.

۱ - سوره حجرات آیه ۱۲.

۲ - مجمع البیان ج ۱۳۷/۹.



کسانی که می‌خواهند، فحشاء و کارهای زشت را در بین مؤمنین شایع کرده، و رواج دهند، عذابی دردناک در کمین آنها نهشته است.

□ ۳ — در تفسیر قرطبی^۱ در ذیل آیه ۱۲ از سوره حجرات گوید:

در صحیحین (صحیح بخاری، صحیح مسلم) از ابوهریره نقل شده است که پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

إِيَّاكُمْ وَالظَّنَّ فَإِنَّ الظَّنَّ أَكْذَبُ الْحَدِيثِ وَلَا تَحْتَسُوا وَلَا تَجَسُّسُوا وَلَا تَنَاجَشُوا وَلَا تَحَاسَدُوا وَلَا تَبَاغَضُوا وَلَا تَدَابَرُوا وَكُونُوا عِبَادَ اللَّهِ إِخْوَانًا.

از ظن و بدگمانی دوری کنید که دورترین مقوله‌ها از حقیقت، ظن است، جاسوسی نکنید و کارهای دیگران را زیر نظر نگیرید و عیبهای همدیگر را بیرون نریزید، به همدیگر حسد نوزید و عداوت یکدیگر را در دل نگیرید و از همدیگر روی گردان نشوید، بلکه همگی بندگان خدا و برادر هم باشید.

بی‌بهری در سنن کبری^۲ نیز، این حدیث ابوهریره را نقل کرده است.

□ ۴ — و نیز در تفسیر قرطبی^۳ از رسول خدا (ص) نقل شده که آن حضرت می‌فرمودند:

ان الله حرم من المسلم دمه وعرضه وان يظن به سوء الظن

خداوند، ریختن خون، بردن آبرو و حیثیت مسلمانان و سوءظن درباره آنان را حرام نموده است.

□ ۵ — در اصول کافی^۴ به وسیله ابن ابی عمیر از امام صادق (ع) نقل می‌کند که حضرت فرمودند:

من قال في مؤمن ما رآته عيناه وسمعته أذناه فهو من الذين قال الله عز وجل: «ان الذين يحبون ان تشيع الفاحشة في الذين آمنوا لهم عذاب اليم».

کسانی که درباره کارهای خلاف مؤمنین آنچه را که به چشم خود دیده و یا با گوش خود شنیده‌اند، سخن بگویند، از جمله کسانی خواهند بود که خداوند درباره آنان می‌فرماید: کسانی که دوست دارند کارهای خلاف را بین مردم رواج داده و شایع کنند، عذابی دردناک در انتظار آنان است.

□ ۶ — در تفسیر نورالثقلین^۵ از کتاب ثواب الاعمال صدوق (ره) از محمد بن فضیل، آن هم از حضرت موسی بن جعفر (ع) چنین نقل می‌کند:

۴- ج ۲ ص ۳۵۷.

۱- تفسیر قرطبی ج ۱۶ / ۳۳۱.

۵- ج ۲ ص ۳۵۷.

۲- ج ۸ ص ۳۳۳.

۳- ج ۱۶ ص ۳۳۲.



قلت له جعلت فداك، الرجل من اخواني بلغني عنه الشئ الذي اكرهه، فاسأله عنه فينكر ذلك وقد اخبرني عنه قوم ثقات، فقال لي يا محمد: كذب سمعك وبصرک عن اخيک وان شهد عندک خمسون قسامه وقال لك قولاً فصدقه وكذبهم ولا تدين عليه شيئاً نشنيه به وتهدم به مروته فتكون من الذين قال الله عزوجل: «ان الذين يحبون ان تشيع الفاحشه في الذين آمنوا لهم عذاب اليم».

به آن حضرت عرض کردم خاتم به قربانت، درباره مردی از برادران مؤمن چیزهایی به گوشم می‌رسد که خوش آیند نیست، از خودش درباره این مطالب سؤال می‌کنم، انکار می‌کند، در حالی که اشخاص موثق و مورد اعتمادی این خبر را به من داده‌اند. حضرت در جواب فرمودند: یا محمد چشم و گوش خود را درباره برادر دینی خود، ببند (چیزهای خلافی که از او می‌بینی، ندیده بگیر و مطالب سوئی که از او می‌شنوی، نشنیده بگیر و از چشم، کور و از گوش، کرباش) و اگر پنجاه مرد عادل شهادت بدهند که او فلان کار خلاف را انجام داده است، ولی خودش تکذیب کند، آن پنجاه نفر را تکذیب و حرف او را قبول کن.

عرض می‌شود:

منظور از تکذیب پنجاه مرد عادل در این روایت، تکذیب حقیقی آنان نیست، بلکه مراد این است که در صورت انکار شخص، به شهادت آنان، ترتیب اثر داده نشود (تا بدین وسیله، حیثیت مؤمن در امان بماند) چون انکار معمولاً، مساوی با اعتذار و نوعی طلب عفو، در فرض ارتکاب کارناشایست است.

□ ۷- در اصول کافی^۱ از اسحاق بن عمار نقل می‌کند که گفت:

سمعت ابا عبد الله (ع) يقول: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): يا معشر من اسلم بلسانه ولم يخلص الايمان الى قلبه، لا تذكروا المسلمين ولا تتبعوا عوراتهم، فانه من تتبع عوراتهم تتبع الله عورته ومن تتبع الله عورته يفضحه ولو في بيته.

از امام صادق (ع) شنیدم که فرمود: رسول خدا (ص) فرمودند: ای مردمی که به زبان اسلام آورده ولی ایمان در دل‌هایشان رسوخ نیافته است از مسلمانان بدگوشی ننموده و شخصیت آنان را لکه دار نکرده و حرمت آنان را از بین نبرید، کسانی که آبروی مسلمانان را می‌ریزند، خداوند متعال معایب پوشیده آنان را افشاء می‌کند و کسی که خدا حرم عصمت او را بشکافد، رسوا می‌شود، اگر چه پا از خانه خود بیرون نگذاشته باشد.



□ ۸- و همچنین در اصول کافی^۱ در روایتی، امام باقر(ع) از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) روایت می‌کنند که پیغمبر خدا فرمودند:

يا معشر من اسلم بلسانه ولم يسلم بقلبه، لا تتبعوا عثرات المسلمين فانه من تتبع عثرات المسلمين تتبع الله عثرته ومن تتبع الله عثرته يفضحه.

ای کسانی که فقط با زبان اسلام آورده ولی اسلام در دل‌هایشان راه نیافته، خطاها و لغزشهای مسلمین را جستجو و دنبال نکنید که هر کس گناهان پوشیده مسلمانان را پی‌گیری کند، خداوند معایت و گناهان او را آشکار کرده و او را رسوا می‌سازد.

□ ۹- باز در اصول کافی^۲ از امام صادق(ع) روایتی نقل می‌کند که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمودند:

لا تطلبوا عثرات المؤمنين فانه من تتبع عثرات اخيه تتبع الله عثرته ومن تتبع الله عثرته يفضحه ولو في جوف بيته.

اسرار مخفی مؤمنین را افشاء نکنید که هر کس درباره برادرش به افشاگری پردازد، خدا اسرار پنهانی او را فاش می‌سازد و او را (ولو) در خانه خود باشد، رسوا می‌کند.

□ ۱۰- در تفسیر قرطبی^۳ از ابی‌برزه اسلمی از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) نقل می‌کند که حضرت فرمودند:

يامعشر من آمن بلسانه ولم يدخل الايمان في قلبه لا تتقنوا المسلمين ولا تتبعوا عوراتهم فان من اتبع عوراتهم يتبع الله عورته ومن يتبع الله عورته يفضحه في بيته.

ای مردمی که با زبان ایمان آورده ولی ایمان در قلبشان داخل نشده است، از مسلمانان غیبت ننمائید و اسرار پنهانی آنان را فاش نکنید، هر کس اسرار و عیوب پنهانی مؤمنین را افشاء کند، خدا اسرار پنهانی او را افشاء کرده و او را [ولو] در درون خانه‌اش رسوا می‌کند.

□ ۱۱- اصول کافی^۴ با سندش از زراره از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند که آن حضرت فرمودند:

اقرب ما يكون العبد الى الكفران بواخي الرجل الرجل على الدين فيحصي عليه زلاته ليعيره بها يوماً ما.

لبه پرتگاه کفر هر مسلمانی وقتی است که معایب و خطاهای برادر دینی خود را شمرده و

۳- ج ۱۶ / ۳۳۳.

۱- ج ۲ ص ۳۵۵.

۴- ج ۲ / ۳۵۵.

۲- ج ۲ / ۳۵۵.



ثبت می‌کند و بخواهد بدین وسیله روزی آبروی او را ببرد.
 و در روایت دیگر نیز به همین مضمون در کافی هست.
 □ ۱۲ - باز در اصول کافی^۱ از عبدالله بن سنان روایت می‌کند که گفت از امام
 علیه السلام پرسیدم:
 عورة المؤمن علی المؤمن حرام؟ قال: نعم، قلت، یعنی سفلیه؟ قال: لیس حیث تذهب،
 انما هو اذاعة سره.

آیا عورت مؤمن بر مؤمن حرام است؟ فرمودند: بلی، گفتم: منظور از عورت، اعضای تناسلی
 او است؟ فرمودند: اشتباه می‌کنی منظور، افشاء اسرار مؤمن است.
 □ ۱۳ - در نهج البلاغه در فرمان امام (ع) به مالک اشتر^۲ چنین آمده است:
 ولیکن ابعده رعیتک منک و اشناهم عندک اطلبهم لمعايب الناس، فان فی الناس عیوباً الوالی
 احق من سترها، فلا تکشفن عما غاب عنک منها فانما علیک تطهیر ما ظهرک، والله یحکم علی ما
 غاب عنک فانستر العورة ما استطعت یستر الله منک ما تحب ستره من رعیتک.

دورترین مردم از تو و بی‌مقدارترین آنها نزد تو، کسانی می‌باشند که عیوب مردم را زیر نظر
 گرفته و آنها را فاش می‌کنند، زیرا مردم عیوبی دارند که متولی امور کشور، بیشتر موظف
 است که آنها را بپوشاند پس از عیوب مردم آنچه که بر تو پوشیده است در صدد کشف آن
 نباش زیرا تو تنها باید آن گناهانی را که بطور آشکارا انجام می‌شود از محیط زندگی مردم
 بزدائی و خدا گناهانی را که در خفا انجام می‌شود، خودش رسیده‌گی خواهد کرد، پس
 هر چه قدر می‌توانی عیوب مردم را بپوشان که خداوند آن قسمت از معایب را که می‌خواهی
 از مردم بپوشانی، می‌پوشاند.

□ ۱۴ - در الغرر والدرر (حدیث ۴۵۸۰) از امیرالمؤمنین (ع) نقل شده:

تتبع العورات من اعظم السوات.

جستجوی عیوب مردم خود از بزرگترین عیبهاست.

□ ۱۵ - نیز در همان کتاب آمده است:

تتبع العیوب من اقبح العیوب و شر السیئات (حدیث ۴۵۸۱).

جستجوی عیبهای مردم، خود از زشت‌ترین عیبهها و زیان‌بخش‌ترین گناهان است.

□ ۱۶ - و باز در همان کتاب آمده:

شر الناس من لا یعفو عن الزلة ولا یستر العورة (حدیث ۷۵۳۵).



بدترین مردم کسی است که خطای مردم را نمی‌بخشد و عیوب آنان را برملا می‌سازد.
۱۷ □ — و نیز در آنجا است:

من بحث عن اسرار غیره اظهار الله اسراره (حدیث ۸۷۹۹).

کسی که اسرار دیگران را بی‌گیری کند خدا اسرار خود او را آشکار می‌سازد.
۱۸ □ — باز در آن کتاب است:

من كشف حجاب اخيه انكشف عورات بيته (حدیث ۸۸۰۲).

هر کس اسرار نهانی برادر دینی اش را فاش کند اسرار نهانی خانه خود او فاش می‌شود.
۱۹ □ — باز در همانجا است:

سوء الظن يفسد الامور ويبعث على الشرور (حدیث ۵۵۷۵).

بدگمانی، کارها را خراب می‌کند و صاحبش را به شرارت سوق می‌دهد.

۲۰ □ — در تفسیر نور الثقلین^۱ از خصال صدوقی از محمد بن مروان روایت کرده که

گفت: از حضرت ابی عبدالله (ع) شنیدم که فرمود:

ثلاثة بعد يوم القيامة ... والمستمع حديث قوم وهم له كارهون يصب في اذنيه الاتك.

سه طایفه در روز قیامت معذب خواهند شد... کسی که به گفتگوی جماعتی گوش فرا دهد در حالی که آنان راضی نیستند، در گوش هایشان (روز قیامت) سرب گذاخته می‌ریزند.

۲۱ □ — و همچنین در این کتاب، ج ۵ ص ۹۳ همین حدیث را از پیغمبر اکرم (صلی

الله علیه وآله) نقل کرده است.

۲۲ □ — و در روایتی از اصیغ بن نباته از امیرالمؤمنین آمده است که آن حضرت به

مردی که در حضور او به زنا اعتراف کرده بود، فرمود:

اي عجز احدكم اذا قارف هذه السيئة ان يستر على نفسه كما ستر الله عليه؟

آیا شما موقعی که این عمل زشت را مرتکب می‌شوید نمی‌توانید آن را پیش خود پوشیده نگاه دارید چنانکه خدا آن را بر شما پوشیده نگاه داشته است؟

عرض می‌شود:

تظير این روایت، روایات دیگری در این مورد در فضل تعزیرات آمده که همگی دلالت دارند بر اینکه این نوع گناهان نسوی و شخصی را که معمولاً بطور پنهانی انجام می‌شوند نباید تحت پی‌گیری و تفتیش قرار داد، و پوشیده نگاه داشتن چنین گناهانی از نظر



شرع مقدس اسلام، مطلوب است.

□ ۲۳- در سنن بیهقی (ج ۸ ص ۳۳۳) از جمعی از اصحاب رسول خدا (صلی الله علیه وآله) از آن حضرت روایت می‌کند که فرمودند:

ان الامیر اذا ابتغى الریبة فى الناس افسدهم.

اگر رئیس قومی با تردید و بدگمانی با مردمش برخورد نماید، آنان را فاسد می‌کند. این حدیث را قرطبی نیز در تفسیر خود^۱ از ابی امامه نقل کرده است.

□ ۲۴- باز در سنن بیهقی (ج ۸ ص ۳۳۳) از رسول خدا (ص) نقل شده است که فرمودند:

أقلک ان اتبعت عورات الناس او عثرات الناس افسدتهم او کدت ان تفسدهم.

اگر تو عیبهای مردم، یا خطا و لغزشهای آنان را بی‌گیری کرده و جستجو کنی، آنان را به فساد کشیده‌ای و یا آنان را به پرتگاه فساد نزدیک کرده‌ای. این روایت را قرطبی نیز نقل کرده است.

□ ۲۵- در صحیح بخاری^۲ از حضرت رسول (ص) نقل می‌کند که آن حضرت در خطبه‌ای که در حجة الوداع ایراد فرمودند چنین گفته‌اند:

ان الله تبارک و تعالی قد حرم دماءکم و اموالکم و اعراضکم الا بحقها کحرمة یومکم هذا فى بلدکم هذا فى شهرکم هذا، الاهل ببلدت؟ ثلاثاً...

خدای تبارک و تعالی خونها و مالها و ناموس شما را به هم‌دیگر حرام کرده (و کسی نمی‌تواند به آن دست نهد) و تجاوز دراز کند مگر در حدود مقررات حقوقی و جزائی (عیناً مانند حرمت امروز در این شهر و در این ماه (آنگاه سه مرتبه فرمود): آیا فرمان الهی را ابلاغ کردم؟

نظایر این احادیث در این زمینه از طریق دو گروه (اهل سنت و شیعه) نقل شده است.

عرض می‌شود:

پس باید کسانی که به شریعت مقدس اسلام و احکام آن عنایت دارند و به آن به دیده اهمیت و احترام نگاه می‌کنند در این آیات و روایات و غیر آن که در این زمینه وارد شده - و ما مقداری از آنها را متذکر شدیم - دقت کنند و اصرار مسلمین و خطاهای پنهانی فردی و خانوادگی آنها را حفظ کنند و به وسیله گوش فرا دادن و بازرسی و پراکندن آن در میان مردم

۱- ج ۱۶ ص ۳۳۳. ۲- ج ۴ ص ۱۷۲ کتاب حدود.



متعرض آنان نشوند، بدین بهانه که وظیفه من کسب اطلاعات و گزارش آن به مقامات مربوطه می باشد، زیرا برای چنین مأموراتی نیز تفتیش و تحقیق در کارهای خصوصی مردم جایز نیست مگر در امور مهم و عمومی که مربوط به مصالح نظام اجتماعی می شود آن هم به مقدار احتیاج و ضرورت که بیان آن خواهد آمد.

و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در (اصل ۲۳) چنین می گوید:

«تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی توان به صرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد».

و در (اصل ۲۵) می گوید:

«بازرسی و نرساندن نامه ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس، ممنوع است، مگر به حکم قانون».

تفتیش و تجسس از هر خطاء و لغزشی از مردم اگر چه صاحبش آن را پنهان داشته یا از آن توبه کرده باشد انصاف نیست (و به اصلاح جامعه هیچ کمکی نمی کند) بلکه انصاف و جوانمردی در گذشت و چشم پوشی و خیرخواهی و راهنمایی و برگرداندن خطا کار به وضعیت سالم و جذب آن به جند اعتدال و طرز صحیح در رفتار و تفکر بطور تدریجی می باشد زیرا بسیار نادرند کسانی که از هر خطاء و لغزشی مبرا باشند، بطوری که شاعری در این زمینه می گوید:

فمن ذا الذی نرضی سجایاه کلها کفی المرأ ثبلاً ان تعدّ معایبه

کیست کسی که کلیه سجایای اخلاقی او پسندیده و مورد رضایت باشد. در نجابت مرد همین قدر کافی است که معایب او قابل شمارش باشد (خطاء و لغزش او کم باشد زیرا کسی که اصلاً خطا و لغزش در وجود او راه ندارد، معصوم است و متصفین به این صفت بسیار کمند).

آری کسانی که بطور آشکار مرتکب جرم می شوند و در آن اصرار می ورزند بلکه کسانی که جرمشان پیش حاکم ثابت شده، قابل تعقیب می باشند ولی در صورتی که مجرم صلاحیت عفو داشته باشد مورد عفو و بخشش قرار می گیرد.

در کنز العمال^۱ از ثورکندی روایت می کند:

عمر بن خطاب یک شب در کوچه های مدینه به گشت مشغول بود، و از خانه ای

۱- ج ۳ ص ۸۰۸، حدیث ۸۸۲۷.



صدای مردی را شنید که ترانه عاشقانه‌ای سر داده و آواز می‌خواند، از دیوار بالا رفت و خشم آورده چنین گفت: ای دشمن خدا گمان می‌بری در حالی که تو معصیت می‌کنی خدا آن را برای تو می‌پوشاند؟!

صاحب‌خانه جواب داد: یا امیرالمؤمنین با چنین سرعت قضاوت نکنید، اگر من مرتکب یک معصیت شده‌ام شما سه معصیت مرتکب شدید!! خدا فرموده: جاسوسی نکنید، تو کردی؟ و فرموده: به خانه مردم از در آن وارد شوید، تو از دیوار آمدی؟ و می‌فرماید: بدون اجازه صاحب‌خانه بر آن وارد نشوید، و شما بدون اجازه وارد شدی!.

عمر گفت اگر تو را عفو کنم از گناهت برمی‌گردی؟ گفت آری، پس او را عفو کرد و بیرون آمد و تحت تعقیب قرار ندارد.

۲ - اطلاعات عمومی و ضرورت آن (بطور خلاصه)

از مطالبی که گذشت معلوم شد که آسایش مردم و احساس امنیت آنان در فعالیت‌های زندگی‌شان مسائلی هستند که شرع مبین بدانها اهمیت خاصی قائل شده و بهمین جهت حفظ حریم مردم و پوشیده نگاه داشتن اسرار آنان را واجب و تفتیش و پنی‌گیری در کارهای خصوصی و اسرارپنهانی آنان را حرام فرموده است و کسی که در آیات و روایات وارده در این زمینه دقت کند به دست می‌آید که موضوع این تحریم آن قسمت از اسرار فردی و خانوادگی است که اصولاً مناسبتی با مصالح اجتماعی ندارند ولی در آن قسمت که به مصالح اجتماعی مربوط می‌شود، چاره‌ای از تفتیش و مراقبت نیست زیرا یکی از مهمترین وظائف دولت اسلامی که حفظ نظام مسلمین را بمعده گرفته آن است که اطلاعات کافی پیرامون اوضاع دولتها و ملت‌های بیگانه و قراردادهای منعقد در میان آنها بر ضد اسلام و مسلمین به دست آورد و اطلاعات مربوط به فعالیت‌های آنان و عوامل و جاسوسانشان و دسیسه‌چینی‌های کفار و اهل نفاق و عداوت و گردنکشان را جمع‌آوری نماید و مراقب شخصیت‌های دولتی و کارمندان، و اوضاع و احوال مردم و احتیاجات عمومی آنان باشد.

و عقل سلیم و شریعت مقدس هر دو به برتری و رجحان مصالح عمومی بر آزادیهای فردی و وجوب اهتمام به نظام جامعه مسلمین و موجودیت آنها، حکم می‌کنند و ناچار این مسئولیت بسیار مهم و وسیع از طرف دولت اسلامی به یک اداره عادلانه که از هر جهت صلاحیت آن را دارا باشد سپرده می‌شود این مؤسسه را در اصطلاح عصر حاضر دایره امنیت و اطلاعات می‌گویند.

هرگز نباید دایره امنیت و اطلاعات عمومی مورد بحث با مؤسسات جهنمی و پلیس

مخفی که در اکثر کشورها به منظور سرکوب ملت‌ها و ایجاد اختناق و آرام ساختن مردم در برابر سیاست‌های طاغوتی و ستمکاران مستبد و به منظور کوبیدن حرکت‌های عادلانه و جلوگیری از رشد و پیشرفت ملت‌ها در زمینه‌های فکری و سیاسی و علمی و صنعتی به وجود آمده‌اند، اشتباه شود، بلکه منظور ما یک مؤسسه صالحی است که بر پایه عدالت برقرار شده و هدف آن دفاع از شئون و مصالح ملت و حراست از موجودیت آن در برابر توطئه‌های دشمنان و شیاطین و فعالیت‌های داخلی و خارجی مشکوک، می‌باشد.

بنابر این چنین مسئولیتی مانند مسئولیت‌های عمومی دیگر باید به اهل آن سپرده شده و در انتخاب و اختیار اعضاء آن از میان مردان عاقل و هوشیار و ملتزم به موازین شرعی که به مصالح افراد و اجتماع اهمیت بسزائی قائلند، دقت کافی به عمل آید و هر کدام از آنان باید حدود و وظائف محوله خود یعنی آنچه را که بدان نظارت خواهند کرد و آنچه را که اقدام و عمل در آن بر آنان ممنوع است، بیاموزند و دقیقاً باید خط فاصل میان این دو را تشخیص دهند برای اینکه در محدوده کار آنها موارد بسیاری است که امر در آن دایره است مابین واجب مهم و حرام موکد.

همانگونه که انتخاب اشخاص غیر متعهد و فاقد تقوای لازم برای مسئولیتی که با شئون خصوصی مردم و حرمت آنان در تماس است، زیان‌بخش می‌باشد همچنین انتخاب اشخاصی که حدود و وظائف خود را نمی‌دانند یعنی مرز مابین آنچه را که باید بدانند و در مورد آن تحقیق نمایند با آنچه از دایره اختیارات آنان خارج است و اقدام در آن برای آنان ممنوع است تشخیص نمی‌دهند و همچنین انتخاب اشخاصی که دستخوش احساسات ناگهانی می‌شوند و با برخوردهای خشن خود مزاحم مردم می‌گردند و با آنان با قیافه‌های درهم و با ترشروئی روبرو می‌شوند و در نتیجه موجب بوجود آمدن نارضائی و بدبینی در دل‌ها خواهند شد، بسیار زیان‌بخش است، اگر فردی که مسئول تحقیق و کسب اطلاعات است، شخصی عاقل و هوشیار و بردبار و نرم خو و مهربان بوده و محدوده و وظائف بسیار مهم خود را تشخیص دهد، مردم در تمام مراحل کار، او را یاری می‌کنند و اکثر مردم با رضا و رغبت خود، به منظور برقراری امنیت عمومی در خدمت او قرار می‌گیرند و بدین ترتیب یک رابطه محکمی میان دولت و مردم در تمام شئون اجتماعی بوجود می‌آید.

مضافاً بر آنکه از روایات خاصه در این مورد نقل خواهیم کرد که حفظ نظام و موجودیت مسلمین متوقف بر احتیاط از دشمن به وسیله زیر نظر گرفتن آنها و جستجو و کشف قرار و مدارها و تحریکات آنهاست، همگی دلالت بر وجوب کسب اطلاعات لازم و ضرورت آن می‌کند، زیرا حفظ نظام اجتماعی از مهمترین چیزهائی است که شرع مقدس عنایت خاصی



بدان داشته و آن را بر دولت و ملت واجب کرده است.

پس به حکم عقل و فطرت ناچاراً باید ترتیب مقدمات آن (که کسب اطلاعات لازم باشد) داده شود، علاوه بر آنکه حفظ نظام مجتمع اسلامی از ضروریات است و لازم و واجب بودن آن از اخبار بسیاری که قسمت زیادی از آن را در ابواب و فصول گذشته ذکر کردیم استفاده می‌شود و هم اکنون به قسمت دیگری عطف توجه می‌کنیم:

۱۰ - در «نهج البلاغه» خطبه ۱۶۹ چنین آمده است:

ان هؤلاء قد نملوا علی سخطه امارتی، و سأصبر ما لم اخف علی جماعتکم، فانهم ان تمموا علی فیالة هذا الرأی انقطع نظام المسلمین.

اینها (طلحه و زبیر و یارانسان) چون من خلیفه مسلمین هستم به دشمنی من، با هم، همدستان شده‌اند من نیز تا وقتی اتحاد و یکپارچگی مسلمین لطمه‌ای نخورده است صبر خواهم کرد زیرا اگر آنان این نظر سخیف خود را به کرسی بنشانند نظام مسلمین متلاشی می‌شود.

۲ - همچنین در نهج البلاغه خطبه ۱۴۶ ضمن مذاکره مشورتی با عمر بن خطاب در رابطه با شرکت او شخصاً در جنگ ایرانیان فرموده است:

ومکان القیم بالامر مکان التظام من الخرز یجمعه و یضمه، فاذا انقطع النظام تفرق الخرز و ذهب ثم لم یجتمع بحذافیره ابدأ.

زمامدار کشور مانند نخ تسبیح - که دانه‌های آن را به هم متصل و آنها را در یک واحد بزرگی کنار هم جمع نموده است - نظام جامعه را برقرار می‌سازد. اگر او از بین برود نظام اجتماع از هم گسیخته شده و دیگر هرگز به حال اول خود بازمی‌گردد همچنانکه پاره شدن نخ تسبیح باعث از هم پاشیدن نظم دانه‌های آن می‌شود.

۳ - باز در نهج البلاغه (حکمت ۲۵۲) آمده است:

فرض الله الایمان تطهیراً من الشرك... والامامة نظاماً للامة والطاعة تعظیماً للامامة.

خدا ایمان را بر مردم واجب کرده است تا شرک از روی زمین زدوده شود... و امامت را بر جامعه واجب کرده تا جامعه، نظام مطلوب را به خود گیرد و اطاعت از امام را واجب کرده تا امامت، قدرت و عظمت لازم را به دست آورد.

۴ - در اصول کافی^۱ در ضمن حدیث مفصلی از امام رضا علیه السلام نقل می‌کند:

ان الامامة، زمام الدین ونظام المسلمین وصلاح الدنیا و عز المؤمنین.

۱ - اصول کافی ج ۱ / ۲۰۰.



امامت، اساس دین و باعث نظام یافتن مسلمانان، اصلاح دنیا و پیشرفت و عزت مؤمنین است:
 ۵ - در «کشف الغم»^۱ در خطبه حضرت فاطمه زهرا علیها السلام چنین آمده:

وطاعتنا نظاماً للملة وامامتنا لئلا للفرقة.

خداوند اطاعت از ما را به منظور شکل گرفتن نظام اجتماعی در میان امت اسلامی و امامت ما را برای از بین رفتن اختلافات و بوجود آمدن وحدت که خود همان اجتماع است واجب کرده است.

۶ - در «امالی مفید»^۲ از ابن عباس از رسول خدا روایت می‌کند که فرمودند:
 اسمعوا واطيعوا لمن ولاة الله الامرفاته نظام الاسلام.

اطاعت کنید و گوش فرا دهید به کسی که خداوند او را ولی امر قرار داده که او باعث نظام اسلام است.

۷ - در «وسائل الشیعه»^۳ در صحیح یونس از ابوالحسن علی بن موسی الرضا (علیه السلام) درباره کسی که از طرف حکومت (جور) سلاح گرفته به سرحدات می‌رود، چنین آمده است:

قال: فان جاء العدو الى الموضع الذي هو فيه مرابط كيف اصنع؟ قال: يقاتل عن بيضة الاسلام قال: يجاهد؟ قال: لا الا ان يخاف على دار المسلمين، ارايتك لو ان الروم دخلوا على المسلمين لم ينبغ لهم ان يمنعوه، قال: يربط ولا يقاتل، وان خاف على بيضة الاسلام والمسلمين قاتل فيكون قتاله لنفسه ليس للسلطان، لان في دروس الاسلام دروس ذكر محمد (ص).

راوی از حضرت می‌پرسد: اگر دشمن به جایی برسد که این مرد در آنجا کشیک می‌دهد چکار کند؟ فرمودند: به قصد دفاع از شان و پایه اسلام بجنگد، گفت: جهاد کند؟ گفت: نه مگر اینکه بترسد که کشور اسلامی به دست بیگانه بیفتد، آیا نظر شما بر این است که اگر رومیان وارد کشور شدند نباید از آنها جلوگیری کرد؟ فرمودند: کشیک بدهد ولی نجنگد اما اگر از زمین رفتن اساس اسلام و مسلمین به وسیله دشمن بترسد می‌جنگد و جنگش برای (دین) خودش باشد نه برای حاکم زیرا از بین رفتن اسلام باعث اندر اس ذکر رسول خدا (ص) است.

و احادیث دیگری که از همه آنها وجوب حفظ نظام جامعه اسلامی و اینکه این مسأله از مهمترین فرائض اسلامی است استفاده می‌شود در این صورت آماده کردن مقدمات آن که از جمله آن زیر نظر گرفتن دشمنان و جاسوس گماشتن بر آنها است واجب می‌شود.



۱ - کشف الغم ج ۲ / ۱۰۹ - ۳ - وسائل الشیعه ج ۱۱ / ۲۰

۲ - امالی مفید، حدیث ۲ از مجلس ۲